

«دانشگاه مرکز سعادت و در مقابل، شقاوت یک ملت است. از دانشگاه باید سرنوشت یک ملت تعیین شود. دانشگاه خوب یک ملت را سعادت‌مند می‌کند و دانشگاه غیر اسلامی، دانشگاه بد، یک ملت را به عقب می‌زند.» این فراز از سخنان حضرت امام خمینی (ره) به خوبی اهمیت و جایگاه والای دانشگاه را نشان می‌دهد. متناسب با این جایگاه، امام خمینی رسالت و وظایفی را برای دانشگاه متصور می‌شوند که از خلال سخنان ایشان قابل استخراج است و وظایف دانشگاه از منظر امام خمینی (ره) در ۳ مقوله جای می‌گیرند اول: انسان‌سازی دوم: قطع وابستگی و استقلال کشور سوم: حفظ و تداوم انقلاب اسلامی

رسالت ووظایف دانشگاه



واکنش سریع هنگام وقوع زلزله می‌تواند شما را از جراحات احتمالی محافظت کند. حداقل دوبار در سال پناه‌گیری را تمرین کنید

حرف های خوب

شماره ۲۲ خرداد ۱۳۹۷ | سال ششم | شماره ۱۴۲۳
www.shahrvand-newspaper.ir

نگاه

عارضه‌ای به نام «خودتخریبی»

در زندگی هر سیاستمداری موقعیت‌هایی پیش می‌آید که طی آنها احساس می‌کند که باید خطاهای ادراکی ناشی از وفور دیدگاه منفی در کشور را اصلاح کند. وقتی ملتی از مواجهه مستقیم با دشمن بیرونی فراموش می‌یابد، یا احساس کاذبی از فراغت نزد برخی پدید می‌آید، منازعات و حرف و حدیث‌ها به سمت و سوی درون معطوف می‌شود. ماهه قرینه رویداد تاریخی فروری‌امپراتوری روم پس از فراغت از مناقشات خارجی، به این عارضه تخریب درونی، «سنسندرم زوال امپراتوری روم» اطلاق می‌کنیم. آگاهی به‌موقع سیاستمداران، از این وضعیت «خودتخریبی» می‌تواند نقش بسزایی در کنترل و محدودسازی پیامدهای منفی ناشی از آنها داشته باشد. سیاستمدار می‌تواند این مشکلات و علایم را تشخیص دهد، نسبت به این علایم هشدار دهد، سمت‌وسوها را اصلاح کند.

وقتی «خودتخریبی» به جای مکتسب‌های دفاعی درست قرار می‌گیرد، نتایج کارها و عملکردها و نهادها و سازمان‌ها، در سطحی پایین‌تر از حد انتظار قرار می‌گیرد. در هر شرایطی، نتایج عملکردهای نهادی و سازمان‌های مستقر، به عنوان معیار اندازه‌گیری و چوب‌محرک «اعتدال حکمرانی» تلقی می‌شود. هنگامی که به طور بی‌وسه عملکرد نهادها مختلف، ضعیف‌تر از حد انتظار است، باید بدانیم که مشکل از یکی دو نهاد عملیاتی کشور نیست، بلکه یک عمق اخلاقی دشواری آفرین در کار است. در واقع، این سبک و طرز فکر و اندیشه است که سیاست را در سطح نهادی به لکت می‌کشاند. در این حالت، باید ریزبینی‌های فرهنگی را فعال و گسترده کنیم. اینجا چند نکته هست؛ یکی آن که باید رسم زودقضاوت کردن را بر انداخت، یکی از اشتباهات رایج بین اغلب نخبران و تشکل‌های سیاسی در شرایط «خودتخریبی»، سبک شمردن «قضاوت» است؛ و در وضعیت سبک‌شمردن «قضاوت»، ساده‌تر بن کار، «منفی‌بافی» است. برای «منفی‌بافی»، تنها قدری حس و حال پر خاش لازم می‌آید، در حالی که «واقع‌نگری مثبت و رو به آینده»، مستلزم آرایه طراحی‌هایی برای آینده است، و اتخاذ این دیدگاه همواره دشوار خواهد بود.

از دیدگاه دیگر، حالا که در شبکه‌های اجتماعی، هر یک از مردم به «روزنامه‌نگار» بدل شده‌اند، فرهنگ معیوب و وارثی «روزنامه‌نگاری کثرت‌گر» به یک اپیدمی بدل شده است. این جامعه همین کژالگوی وارثانی را در دست دارد و با آن، می‌تواند بدون اطلاعات وسیع، در مورد وجوه منفی همه امور سخن بگوید. در این کژالگو، اصل اصیل و رکن رکن، «منفی‌بافی» است. «غنیمت شمردن» نقاط مثبت و قوت، اصلاً خبر و مطلب قابل توجه محسوب نمی‌شود. لحن‌های تند و متقابل بین آن‌ها از زین می‌رود. پس باید در سبک‌های ارتباطی تجدید نظر کنیم؛ باید با ایجاد جو صمیمیت و اعتماد بین یکدیگر، به اجزای تشکل چکنده یک «من بر تو» تبدیل شویم.

نکته بعدی این است که همه باید متقاعد شوند که از پنجه انداختن نبوده به چهره یکدیگر بهره‌برند، و لاقلاً از سرزنش کردن و مقصر دانستن عواملی که خارج از کنترل هستند دوری کنند. در شرایط «خودتخریبی»، نخبران جناحی به وقت خطابه، به شکلی ناشیانه و نادقیق، به رصد عبوب گروه‌های رقیب مشغول می‌شوند. چنین پر خاش‌هایی نه تنها دردی از کشور دوانمی‌کنند، بلکه موجب غفلت از ریشه‌های اصلی مشکلات و ناقصی‌ها می‌شوند.

مطلب دیگر، روحیه متمر ثمری است. این روحیه که فعالان اجتماعی و مدنی به خود هموار کنند که «من هم به سهم خود قدری مقصر مشکلات هستم». این موجب می‌شود، که همه به نحوی درگیر فعالیت اجتماعی شوند. این مسئولیت‌موجب می‌شود که دشواری‌های عملیاتی برای همه در سطوح متفاوتی معلوم و ملموس شود؛ «انصاف» جز با این دغدغه‌همهانگی برای یافتن راه‌حل دشواری‌ها به دست نمی‌آید. البته ریز خاش و منفی‌بافی راحت است و در هر شرایطی می‌شود چیزی در مذمت دیگران گفت، ولی وقتی افراد مشغول حل و فصل مسائل شوند، ادراک متقابل که همان «انصاف» است، قوت می‌گیرد.

چشم‌انداز دیگر به رواج «منفی‌بافی» این است که این شرایط پر خاشگر، وقتی واقع می‌شود، که جریان ایده‌های جدید کند شود یا اصلاً خشک گردد، و در نبود راه‌حل‌ها، فقط نارضایتی‌ها بلند می‌شود. امروز بدون تزییق مستمر ایده‌های نو و خلاقانه، خیلی زود از نفس می‌افتد و راه به جایی نخواهد برد. برای حل مسائل و چالش‌های انبوه دنیای جدید به ایده‌های تازه و نو به‌نویاز هست؛ و این تکلیف فعالان سیاسی و مصلحان اجتماعی است که برای ورود و رواج ایده‌های نو در درون کشور زمینه‌سازی کنند. وقتی خوددنی‌رواج می‌یابد، نشانه آن است که فعالان سیاسی و اجتماعی، مسیر آسان‌زدگی را انتخاب کرده‌اند و گاه‌گاه از منفی‌بافی بی‌انتهای غرق لذت می‌شوند. در چنین شرایطی باید دنبال تجربه‌های معاهده‌مقیدتی و حسن تکلیف رفت و مهارت‌های مهمی را گسترش داد. یک‌سوی این مهارت‌ها این است که باید جوهراس از منفی‌بافی علیه نوآوری و ایده‌پردازی را بشکنیم؛ اگر جو عمومی جامعه به گونه‌ای بود که موجب رنجش و حتی تنبیه افراد نوآور و مبتکر شود، باید آتشکار و واضح در قواعد صدرنشینی و قدربینی تجدیدنظر کنیم، و آن را از غوغای مطبوعات و رسانه‌ها بیرون بکشیم. برای این منظور اصلاح گفتارهای مطبوعاتی و رسانه‌ای که ریز سایه دموکراسی کثرت‌گرا فقط قابلیت‌های بی‌رحمانه را می‌شناسند، لازم است؛ باید «مهارت گوش دادن» را به جای مهارت‌های منفی فریادزدن بر سر همه دیگر ترویج کرد.

دکتر حامد حاجی حیدری

عضو هیات علمی دانشگاه تهران

۷ نکته مهم برای اساتید و مدیران دانشگاهی از زبان رهبر معظم انقلاب

مدیر باید برود در خانه دانشمند

عکس: KHAMENEI.IR



در مجلس پیغمبر یک نفری به عرض یک مؤمنی تعرض کرد، به آبروی یک مؤمنی یک تعرضی کرد -حالا ندارد در روایت که چه‌جور تعرضی- یک نفر دیگر در همان مجلس از آن مؤمنی که مورد تعرض قرار گرفته بود دفاع کرد. پیغمبر فرمودند این کاری که تو کردی -که دفاع کردی از آبروی مؤمن- این حاجز در مقابل آتش جهنم است، این حجاب در مقابل آتش جهنم است؛ سبک زدگی اسلامی یعنی این؛ یعنی «رحم تو رحم»؛ رحم کن تا مورد تو رحم قرار بگیری از طرف خدای متعال؛ اینجا باید آموزش داده بشود به جوانهای ما. جوان ما باید «شَسَاءَ عَلَی الْکِفَارِ رُحْمَاءَ بَیِّنَهْم» [باشند] این جوری تربیت بشود؛ در مقابل ظلم بایستد، در مقابل متعرض و متعدی بایستد اما با برادر مؤمن، با مدبرانی، با گذشت رفتار کند؛ باید به جوانان گذشت را یاد بدهیم. اگر چنانچه امروز این جوان تهذیب نشده، فردا که مسئول یک بخشی شد، کار را با ضعفی انجام میدهد یا نامطمئن انجام میدهد یا غلط انجام میدهد. این که امروز حاضر است برای شوخی، برای وقت‌گذرانی، برای اشباع آن حس درونی به کسی تعرض بکند، فردا وقتی که در رقابتهای انتخاباتی مثلاً قرار گرفت، حاضر است برای بُرد خودش آبروی یک انسان مؤمن را بکلی زیر پا بگذارد؛ این، از جوری میشود دیگر؛ آنجا هم همین تأثیر را می‌بخشد.

شود که بنشینیم فکر کنیم و علوم انسانی اسلامی را پیدا کنیم، یک عده‌ای فوراً برمی‌آشوبند که «آقا علم است؟» علم است؟ در جواب بگویم که علم بودنش و ناپیش‌قابل آزمایش در آزمایشگاه است، این همه غلط بودن یافته‌های علمی روز به روز دارد اثبات میشود، آن وقت شما در علوم انسانی توقع دارید اعطال نباشد؟ در اقتصاد چقدر حرفهای متعارض و متضاد وجود دارد در مدیریت، در مسائل گوناگون علوم انسانی، در فلسفه، این همه حرفهای متعارض وجود دارد؛ کدام علم؟ علم آن چیزی است که شما به آن دست پیدا کنید، بتوانید بفهمید آن راه از درون ذهن فعال شما تراوش بکند. باید دنبال این باشیم که ما تولید علم بکنیم؛ تا کسی مصرف کنیم علم این‌وآن را؟ بله، مانعی ندارد که مثل کالایی که خودمان نداریم، دیگری دارد و از او می‌گیریم و استفاده می‌کنیم، به علم دیگران استفاده بکنیم، اما این نمی‌تواند دائمی باشد، این نمی‌تواند همیشگی باشد؛ گاهی علم دیگران درست به ما منتقل نمیشود، گاهی آن بخش خوبش را به ما نمی‌دهند، گاهی نو و به‌روز شده‌اش را به ما نمی‌دهند و این اتفاق در کشور ما متأسفانه در سالهای حکومت طاغوت بارها افتاده؛ ما که نباید تجربه‌ها را مجدداً تکرار بکنیم؛ بنابراین بایستی تولید علم بکنیم.

هدفمند کردن تحقیقات را هدف‌گیری هدفمند کردن تحقیقات اقدام دیگر، هدفمند کردن تحقیقات است؛ ما امروز تحقیقاتی داریم. خب مقاله‌محوری در دانشگاه ما یک مقوله‌ای است، خودش یک مسئله‌ای است؛ یک عده‌ای مخالفند، یک عده‌ای می‌گویند چاره‌ای نیست؛ حالا افزایش مقالات هم -خصوصاً مقالاتی که مورد استناد قرار می‌گیرد- یک آبرویی است برای کشور و عیبی ندارد لکن مقالاتی باید تولید بشود که هدفمند باشد. ببینید نیاز کشور چیست، خلا کجا است؛ این تحقیقات، آن‌خلراً بر طرف بکنند؛ این خیلی مهم است، پژوهشهای

دانشمند نباید پشت اتاق مدیر معطل بماند

من یک وقتی وزیر نیرویی داشتم، برادر بسیار خوبی که خودش تحصیل کرده‌ی دانشگاه امیرکبیر بود. سر یک قضیه‌ای با من صحبت میکرد که این قضیه را ما مشکل داریم؛ گفتم برادر! شما از هیئت دولت یک قدم برو همین دانشگاهی که خودت در آن تحصیل کرده‌ای، این قضیه را آنجا مطرح کن، برایت حل می‌کنند. مطمئناً هم حل می‌کردند؛ من تردید نسا‌دم. یعنی اگر واقعاً این درگیر شدن دانشگاه و مسائل کشور از طرف مدیران جدی گرفته‌شود -که اصل هم همین است- این به‌نظرم پیش خواهد رفت. یعنی مدیر باید برود در خانه دانشمند؛ اصل اساسی این است. دانشمند نباید پشت اتاق مدیر معطل بماند؛ مدیر باید برود در خانه دانشمند و از او درخواست کمک کند.

تربیت معنوی را جدی بگیرد

دانشجو‌ها را تربیت معنوی کنید. اینجا جوانند؛ جوان به‌طور طبیعی لطیف است، بالتسبیه پاکیزه است، قابل حرکت در جهت معنوی است؛ و این باید در دانشگاه تأمین بشود. لا یَسْتَعْلَنُ عَلَی الذَّهْرِ اِلَّا بِالْعَقْلِ؛ زندگی بدون عقل که ممکن نیست. بنابراین جنبه تربیتی این قوه عاقله بایستی قوی باشد؛ دانشگاه باید جوانهایی را تربیت کند که با ایمان باشند، با شرف باشند، اهل اقدام باشند، تنبل نباشند، اهل تلاش باشند، دارای اعتمادبهنفس باشند، حق‌پذیر باشند، حق طلب باشند؛ اینجا خصلتهای یک انسان والا است؛ اسلام این جور انسانی را میخواهد؛ این انسان است که اگر چنانچه به مدیریت جامعه رسید، جامعه را میتواند به سمت صلاح و فلاح هدایت بکند، والا اینکه حالا فرض کنید الان در فضای مجازی معمول شده، کار عادی و رایجی است که به همدیگر بدگویی کنند، این به آن، آن به این تهمت بزنند، یک ضعف کوچک را بزرگ کنند، آبروی مؤمن را ببرند که معلوم هم نباشد چه کسی است؛ خب خیلی چیز بدی است. در بین جوانهای ما یک چنین چیزهایی وجود دارد که باید جلوی‌ش گرفته بشود؛ این با تربیت معنوی امکان است.

شاگردی کنیم اما مقلد نباشیم

یکی از مصداقهای روشن این است که ما رویکرد مصرف‌کنندگی علم را تبدیل کنیم به رویکرد تولید علم. تا کسی باید ما بنشینیم مصرف‌کننده علم دیگران باشیم؟ بنده با یاد گرفتن علم از دیگران هیچ مخالف نیستم؛ این را بارها گفته‌ام و همه هم میدانند؛ گفتم ما ننگمان نمیکند که از آن کسی که دارای علم است یاد بگیریم و شاگردی کنیم، اما شاگردی یک حرف است، تقلید یک حرف دیگر است؛ تا کسی دنباله‌رو علم این‌وآن باشیم؛ چرا در زمینه علوم انسانی وقتی گفته می‌

به رسم دیرینه، مقام معظم رهبری یکی از شب‌های ماه مبارک رمضان را در میان جمعی از استادان، نخبگان و پژوهشگران دانشگاه‌های کشور گذراندند. حرف‌هایی از طرف جمعی از اساتید کشور شنیدند و نکاتی را هم در خصوص رشد و پیشرفت در محیط‌های علمی و دانشگاهی بیان داشتند. در میان صحبت‌های مبسوط ایشان، ۷ توصیه مهم را خطاب به اساتید دانشگاه‌ها و مسئولین ذی‌ربط برای شما گزیده کرده‌ایم.

مدام در حال پیشرفت و حرکت باشید

یک تحول مستمر و دائمی در محیط دانشگاه؛ آنباز است! علت هم این است که اولاً همه نهادهای عالم احتیاج به تحول دارند، چون بشر در حال تحول و در حال پیشرفت و در حال حرکت است، بنابراین نهادهای بشری همه بایستی در خودشان قدرت تحول دائمی را ایجاد کنند و این یک دغدغه‌ای باشد برای آنها؛ ثانیاً دانشگاه مایی‌رود بایستی غلط بنیان‌گذاری شده، از اول غلط بنیان‌گذاری شده؛ این معنایش این نیست که محیط دانشگاه محیط غلطی است یا محیط بدی است؛ نخیر، خوشبختانه دانشگاه ما فرآورده‌های بسیار خوب داشته لکن بنای دانشگاه به‌وسیله آدمهای نامطمئن و با سیاستهای نامطمئن در زمان حکومت طاغوت گذاشته شده و این بنا همچنان وجود دارد؛ دانشگاه را مبنی بر دین‌زدایی بنیان‌گذاری کردند؛ دانشگاه را مبنی بر تقلید علمی و نه ابتکار علمی و تولید علم، بنیان‌گذاری کردند؛ دانشگاه این جوری بنیان‌گذاری شده و خب بعضی از آثارش هم تا امروز هنوز امتداد دارد. بنابراین یک اصلاح و یک تحول و یک ضرورت درونی برای دانشگاه به‌طور مستمر لازم است.

بامسائل کشور درگیر شوید

چرا می‌گوییم باید با مسائل کشور درگیر شد؟ خب هر کشوری بالاخره مسائلی دارد؛ امروز هم ما مشکلاتی داریم، مسائلی داریم، فراهم مشکلاتی خواهیم داشت و همه کشورهای دنیا، همه‌ی جوامع دنیا این جور هستند، مشکلاتی دارند که اینها باید حل بشود؛ این مشکلات باید به‌صورت علمی حل بشود؛ اگر غیر عالمانه، غیر مدبّرانه، بدون فکر و غیر خردمندانه وارد این مشکلات بشویم، حل نخواهد شد، مشکل پیچیده‌تر خواهد شد، استمرار پیدا خواهد کرد، تکثیر خواهد شد و افزایش پیدا خواهد کرد. بنابراین مشکلات بایستی عالمانه حل بشود. خب، اگر بنا است عالمانه حل بشود، چه کسی باید آن را حل بکند؟ عالمان، دانشمندان؛ یعنی دانشگاهیان که از جمله‌ی عالمان کشور و بخش عمده‌ی عالمان کشورند. بنابراین دانشگاه باید مسائل کشور را مسائل خودش بداند و دنبال حل آنها باشد.